

بیتاب

ماهنامه سیاسی انجمن اسلامی
دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)
سال پنجم / شماره ۴۲ / آذر ماه ۱۳۹۹



● میوه‌های سعدآباد ●

چالش تغییر حیات جنبش دانشجویی
باید سیلی محکم‌تر بزنیم
منشأ تحولات عظیم
وقفه‌ی بی‌معنا

سرمقاله: منشأ تحولات عظیم

● کوثر پاریزی ●



فکر و عمل دانشجویان در جامعه باید منشأ تحولات عظیم باشد. همانطور که شهید دکتر بهشتی فرمود: «دانشجو مودن جامعه است که اگر خواب بماند نماز امت قضا خواهد شد.» بد به حال مردم شهری که به سبب خواب دانشجویان شان، در خواب غفلت به سربرند. اگر کشوری تصمیم گرفت آینده و سرنوشتش را خودش بسازد، باید دانشجویهای بصیر و دانا و مطلعی داشته باشد. صدای رسای عدالت خواهی، برقراری قسط، ظلم ستیزی و حق گیری برای مظلوم، از ناحیهی دانشجویان، از مولفه های تاثیر گذار در هر جامعه‌ای است و این در جامعه ی ایران اسلامی به اثبات رسیده است. سال ۱۳۳۲ و واقعه ریخته شدن خون سه تن از دانشجویان دانشگاه تهران و حضور در جریانات سیاسی و انقلابی و مبارزاتی سال ۱۳۵۷ و حضور در جبهه های جنگ ۸ ساله هنوز برای ملت ما فراموش نشده است.

همینطور بعد از آن در عمر ۴۰ ساله‌ی انقلاب اسلامی، حضور در عرصه های نوآوری های علمی، ثبت اختراعات، دستاوردهای پزشکی، رشد فرهنگی و شرکت فعال در جریان انتخابات و... همه و همه نشان از بیداری این قشر در جمهوری اسلامی ایران بوده است. دنبال کنندگان جریانات سیاسی همچون برجام و FATF و به صورت تحلیلی و با بصیرت همین مودنان جامعه ایران اسلامی بوده اند.

اینک این مودن جامعه، در جریان ترور شخصیت‌های اصلی این مرزوبوم و ترور دانشمندان بزرگ ما از سوی جبهه ی باطلی که برای همگان مشخص است که نه فقط به سان، بلکه عین ابلیس بزرگ زمان است، نباید سکون و سکوت در پیش بگیرد. و اینک این صداست که باید بلند شود و بعد از تحلیل و بررسی دقیق و منطقی جوانب این ترورها، اولاً جای خالی این شهدا را با تلاش مجاهدانه و شب بیداری‌های ناشی از کار بسیار و پرهیز از تنبلی پر کنند و ثانیاً خواستار انتقام خون شهریاری‌ها و رضایی‌ها و علی محمدی‌ها و حاج قاسم‌ها و... شود.

این صداست که می تواند امت اسلامی را هم با خود همراه کند.

باید سیلی محکم‌تر بزنیم

● فاطمه اصلی بیگی ●

گفت: ما به موضوع ترور اشراف داشتیم به همین دلیل ما علاوه بر پیدا کردن عاملان اصلی ترور باید به دنبال عوامل دیگر نظیر حفاظت درست از دانشمندان و جلوگیری از نفوذ دشمنان در سیستم اطلاعاتی خود هم باشیم.

برخی از مسئولین ما هویت این شهید را پنهان کردند و از او با عنوان دانشمند هسته‌ای یاد نکردند تا اگر خواستند زمانی به مذاکره با آمریکا بازگردند افکار عمومی آنها را سرزنش نکنند که شما با عوامل ترور دانشمندان هسته‌ای خود مذاکره میکنید. این در حالی است که همه میدانند شهید فخری زاده از بزرگترین دانشمندان هسته‌ای این کشور بوده است.

در زمینه انتقام خون این شهید هم باید به موقع عمل کنیم ما در بحث انتقام خون حاج قاسم فقط یک سیلی زدیم ولی کاملاً آن را انجام ندادیم. به همین دلیل دشمن دوباره جرات کرد تا یکی از شخصیت‌های مهم ما را ترور کند و باید در انتقام خون این شهید درست و به موقع عمل کنیم تا سوء استفاده‌ای صورت نگیرد.

اسلامی رقم میزنند. در عموم ترورهای اخیر مربعی از همکاری صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها، منافقین و سعودی‌ها شکل گرفته است که بر پیچیدگی کار افزوده و متاسفانه در ترورهای هدفمند و مواردی از نفوذ و حفره‌های امنیتی نیز به کمک عوامل جاسوسی شتافته است. در طول سالیان گذشته پدیده نفوذ در ایران همواره ضربات مهلکی به پیکره نظام اسلامی زده است.

برای مقابله با جاسوسی‌ها و اقدامات ضد امنیتی باید دستگاه‌های اطلاعاتی از قوت بالایی برخوردار باشند که درباره شهید فخری زاده متاسفانه این امر بسیار ضعیف بود چون این ترور توسط سلاح‌های بسیار مجهز انجام شده پس باید وزارت اطلاعات در این باره پاسخگو باشد که این سلاح‌ها چگونه و توسط چه کسانی وارد کشور شده است و همچنین نتانیاهو از قبل گفته بود که ما فخری زاده را ترور خواهیم کرد با این حال باز هم اقدامی برای حفاظت بیشتر از شهید فخری زاده انجام نشد. این در حالی است که دبیر شورای عالی امنیت ملی

بعد از ظهر جمعه ۷ آذرماه ۱۳۹۹ صدای رگبار گلوله و انفجار مهیب خودرو در آسرد دماوند به گوش رسید. خیلی زود خبرگزاری‌ها خبر ترور یکی از دانشمندان ایرانی را مخابره کردند. شهید محسن فخری زاده از دانشمندان برجسته دفاعی هسته‌ای ایران در این حادثه توسط عوامل ناشناس ترور شد.

در ساعت‌های بعدی گمانه‌زنی‌های بسیاری در رسانه‌ها بابت کیفیت و دلایل این ترور مطرح شد که همزمان در فضای عمومی جامعه نیز دغدغه‌های فراوانی برانگیخت.

ترور شخصیت‌ها در بیشتر مواقع پدیده پیچیده است، پس نباید درباره آن کوچه بازاری تحلیل کرد و یا به گمانه‌زنی‌های ژورنالیستی کودکانه قناعت کرد.

عموم ترورهایی که درباره شخصیت‌های انقلابی صورت گرفته با ساز و کارهای پیچیده اطلاعاتی جاسوسی همراه بوده است. یکی از مقامات وزارت اطلاعات در جلسه می‌گفت: گاهی بیش از ۱۵ سرویس جاسوسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر روی ایران تمرکز دارند و با تبادل اطلاعات همکاری‌های مشترکی را علیه نظام



وقفه‌ی بی‌معنا

● کوثر پاریزی ●

کم بصیرتانی هستند که علیرغم دادن اطلاعات سری به جاسوسان آمریکایی باعث ریخته شدن خون شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید فخری زاده شده‌اند و همچنان مصر به ادامه کارهای بدون تدبیرشان هستند و گویی که ابداً متوجه نیستند که چه به بار آورده‌اند و اصل هم ککشان نمی‌گزد.

اما ملت و مجلس اسلامی ما خوب می‌داند که لحظه‌ای غرب را دوست خود نگرفته مگر اینکه ضربه‌ای محکم و دردناک خورده است. این را تاریخ بطور گویایی بیان کرده است. اما چه کنیم که برخی این را متوجه نمی‌شوند و یا بهتر است بگوییم نمی‌خواهند متوجه بشوند.

ماخواستار رفتار متقابل در برابر غرب هستیم و خون حاج قاسم‌ها و فخری‌زاده‌ها را باید پس بگیریم.

ما منتظر نشستن را برای اینکه آمریکا بیاید و تحریم‌ها را بردارد یا مشکلات دیگر ما را حل کند کاری عبث می‌دانیم. بسیار ساده لوحانه است تقاضا کردن حل و فصل گرانی و تحریم از قاتلان نخبگان‌مان. بلکه دشمن را دوست پنداشتن عین ساده لوحی برخی مسئولین است.

الحاقی پذیرفته شده بود و به دنبال آن دسترسی به اماکن نظامی هم داده شده بود. این نماینده گفته است که قبل از سال ۱۳۸۲ هیچ کس پروتکل الحاقی را نپذیرفته است. و اما در سال ۱۳۹۲ دسترسی به اماکن حساس کشور را پذیرفتند و اندک خطر بسیار جدی در ابعاد نظامی و هسته‌ای است. بنابراین تقاضای برخی نمایندگان، توقف اجرای پروتکل الحاقی است.

و اما این طرح مخالفانی هم داشته است که برخی از مخالفان، این طرح را واکنش قاطعی برای مقابله با اقدامات آمریکا نمی‌دانستند.

و اما مسئله‌ای که مطرح است این است که در دوران ریاست جمهوری رئیس‌جمهور تازه به مسند نشسته آمریکا، جو بایدن، که طرفدار و خواستار مذاکرات است، هنوز هم عده‌ای در کشور ما در مسئولیت‌های حساس و مهم کشوری خواستار حل و فصل مشکلات کشور با برجام و مذاکرات هستند. و همچنان قصد خدمت رسانی و پیشرفت رسانی به کشور از طریق دست دادن به غرب را در سر دارند.

نمی‌دانیم در ادامه‌ی بی‌تدبیری‌هایشان چه بلاها مانده که قصد دارند بر سر ملت و کشور بیاورند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران آذرماه ۱۳۹۹ کلیات طرح «اقدام راهبردی برای لغو تحریمها» را با ۲۵۱ رأی موافق از میان ۲۶۰ نماینده حاضر تصویب کردند. دو فوریت این طرح قبل از آن در مجلس به تصویب رسیده بود. در واقع طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها از ماه‌های گذشته‌تر در مجلس مطرح شده بوده است اما دو فوریت این طرح بعد از شهادت دانشمند هسته‌ای شهید فخری زاده برای موضوع شهادت این شهید هسته‌ای و به عنوان اقدام متقابل ترور این شهید مطرح و تصویب شد.

نمایندگان تصویب کننده‌ی این طرح، در دفاع از طرح تصویب شده، هدف آن را مقابله با تحریم‌های آمریکا و تغییر رفتار غرب مطرح کردند. بعضی دیگر از نمایندگان در بررسی این طرح، به برجام انتقادهایی وارد کردند و اظهار کردند که اگر برجام نبود، ترور شهید فخری زاده صورت نمی‌گرفت.

برخی دیگر از موافقان آن هم بر لزوم توقف اجرای پروتکل الحاقی تاکید داشته‌اند.

دراظهارات نماینده تهران مشخص می‌شود که طبق توضیحات آقای روحانی، در سال ۱۳۸۲ بیشترین اطلاعات به آژانس داده شده است به دلیل اینکه پروتکل



میوه‌های سعدآباد

استثناء شدن ایران با پذیرش پروتکل الحاقی و بررسی نتایج اجرای آن

● مرضیه انبری ●



حسن روحانی تعیین کننده محل بازرسی است، به وجود آمده است. هر زمان و هر جایی که آژانس احتمال انجام فعالیت هسته ای را بدهد باید مورد بازرسی قرار گیرد حتی دفتر رئیس جمهور و مجلس که سیاستمداران نگران بازرسی آن بودند! یا سایت ها و مراکز نظامی که به گزارش علی اصغر سلطانی نماینده وقت ایران در آژانس ۲۶ بار از مراکز نظامی ایران، که هیچ کشوری تا کنون تجربه نکرده است، بازدید شد! و حتی شبستان حرم امام‌رضا(ع)! این قانون پروتکل الحاقی است.

میوه های مذاکرات سعد آباد برای طرف غربی در آن بازه تقریباً دو ساله بیش از حد معمول هم شد. به واسطه پروتکل الحاقی مراکز نظامی بسیاری در ایران بازدید شد و دانشمندان هسته ای ایران توسط آژانس شناسایی شدند. اما مذاکرات همچنان ادامه داشت و نیاز به استفاده زودهنگام از دستاوردهای این امتیاز انحصاری نبود. سال ها بعد زمانی که با نقض عهد اروپایی ها پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده شد ایران نیز در

پروتکل الحاقی چه نقشی ایفا می‌کند؟ شاید حسن روحانی هنگامی که خاطرات خود را در کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای مرقوم می‌کرد گمان نمی‌برد این کتاب در نهایت گواه قضاوت بر ده سال نقش آفرینی او در سیاست خارجه چه در زمان محمد خاتمی و چه در دولت خود او باشد.

روحانی در بازه‌ی سال ۸۳ نوشته است که بازرسان آژانس درخواست بازدید از اماکنی را داشتند که سرویس های غربی مشخص کرده بود! وی در جای دیگر اشاره می‌کند پس از پذیرفتن پروتکل الحاقی این نگرانی در داخل کشور وجود داشت که مجلس و دولت هم بازرسی شود. او همچنین نوشته است که در سال ۸۳ ما در موقعیتی بودیم که پروتکل الحاقی را پذیرفته بودیم و مصاحبه ها با دانشمندان انجام شده بود ...

اما باز گردیم به ماهیت پروتکل الحاقی که به صورت خلاصه یعنی بازرسی ها به صورت Anywhere , Anytime انجام شود. به دلیل اینکه مشمول حدس و گمان هایی درباره برنامه هسته‌ای ایران است که ادعا نشده است اما به ظن آژانس و سرویس غربی، که به شهادت

پاییز قریب به هفده سال پیش اتفاق نادری در روند مذاکرات هسته ای ایران رخ داد و بر سر مسئله ای توافق شد که ایران را به حالت استثناء در آورد. مهر ماه ۱۳۸۲ حسن روحانی به عنوان دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی به اتفاق محمدجواد ظریف و دیگران در دولت دوم محمد خاتمی مسئول پرونده هسته ای و مذاکرات مربوطه شدند. قریب به ۷۰ روز بعد در ۹ آذر ۱۳۸۲ ایران امتیازی به طرف غربی داد که نظیر آن در تاریخ پس از انقلاب اسلامی بی سابقه بود. ایران پروتکل الحاقی آژانس بین المللی انرژی اتمی را پذیرفت و نظارت این سازمان از حالت پادمان که تمام کشور ها شامل آن می‌شوند به حالت استثنایی و عجیبی مختص ایران در آمد. البرادعی سال ها بعد در خاطرات خود این اقدام ایران را اعطای یک امتیاز انحصاری توصیف کرد. اما پروتکل الحاقی چه بود؟

یک نوع از نظارت های آژانس که پیشتر تحت عنوان پادمان از آن یاد کردیم مربوط به راستی آزمایی کشور ها می‌باشد. مثلاً کشوری که مدعی است یک تن اورانیوم با غنای پنج درصد دارد بازرسان آژانس حق نظارت و تایید این ادعا را دارند. اما

و بدون حساس شدن دستگاه اطلاعاتی کشور به امنیت او و در خواب خرگوشی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و کسان دیگر عصر آن جمعه‌ی شوم در آغوش دماوند به معراج رفت ... و یک علامت سوال در ذهن‌ها باقی ماند! آن‌هم رابطه مصاحبه‌های سال ۸۳ با هویدا شدن هویت فخری زاده و همکاران او برای طرف‌های خارجی است. درحالی که رژیم صهیونیستی در هر شرایطی سعی در نفوذ اطلاعاتی به ایران دارد و ما واقف به نقص‌های زیاد در وزارت اطلاعات هستیم مشخص نیست بر اساس چه منطق ابلهانه‌ای باید دانشمندان هسته‌ای را در ویت‌ترین برای بازرسان آژانس به نمایش گذاشت. تا پروژه‌ی شناسایی نقاط ضعف و قوت ایران برای طرف غربی سریع‌تر انجام شود!

و دوباره ایران بود که با گروه تکراری مذاکره‌کننده خود استثنا بودن را پذیرفت و درهای زمان و مکان را برای جاسوسان در پوشش بازرس باز کرد و درحالی که رویه‌ی طرف غربی در تمام سال‌های گذشته استمرار تحریم‌ها و ترور و خرابکاری‌هایی قبیل آن‌چه در نطنز رخ داد بوده ایران فعلا استثنا بودن را پذیرفته است تا دوباره تنها طرف کوتاه آمده از مواضع باشد و هم شهید بدهد و هم چیزی عاید او نشود و اواما با ۱۲ فرمان تحریمی که در حوزه اختیارات رئیس‌جمهور آمریکا است و ترامپ با ۳ فرمان همواره بر رویکرد افزایش تحریم‌ها ادامه بدهند، درحالی که مسئولین ایرانی تراژدی هسته‌ای به رنگ سیمان رقم زده‌اند و برای بازگشت به سال ۹۲ شاید عمر یک دولت باید صرف شود ... و آینده ملت صرف بازگشت به گذشته گردد.



سرویس‌های غربی آژانس را برای بازدید خط‌دهی کنند. بازدید از هر جایی که گمان کنند فعالیت هسته‌ای در حال انجام است حتی زیر پای شما به عنوان خواننده این مطلب و در هر زمانی.

اکنون ما در انتهای دهه نمود شمسی هستیم درحالی که دوباره با بدعهدی‌ها مسیر مذاکرات مسدود شده و ایران باز در دو راهی قرار دارد. راه‌سازش با دولت آمریکا و به تبع آن هم‌پیمانان اروپایی و یا راه بازگشت به شرایط سال ۹۲. اما سبد میوه سعدآباد خالی نشده و برای مسدود کردن راه دوم و به تعویق انداختن چندساله امکان بازگشت ایران به سال ۹۲ لازم است پدر یک صنعت از پا درآید و در جمعه‌ی سیاه دیگری شهید فخری زاده نیز به شهیدان حسین‌پور، احمدی‌روشن، رضایی نژاد، شهرپوری و علی‌محمدی پیوست. درحالی که او نیز مانند سایر فیزیکدانان برای آژانس شناخته شده بود و برای کوک‌کنندگان آژانس و برای رژیم صهیونیستی یعنی سگ‌ها طرف غربی که نقش پلیس بد را مادام‌العمر به عهده دارد و نتانیاهو بارها از محسن فخری زاده و هدف حذف او سخن‌سرایی‌ها کرده بود و نهایتاً پدر هسته‌ای ایران بدون محافظت خاص بدون حتی یک ماشین ضدگلوله

واکنش به این کار پروتکل الحاقی را کنار گذاشت و استثنا بودن ایران برای آژانس توسط تیم مذاکره‌کننده ایرانی انکار شد و مذاکرات در جهت برخورداری ایران از تمام حقوق هسته‌ای ادامه یافت. طی این سال‌ها با استتک طرف غربی از ارائه‌ی اورانیوم با غنای بالای بیست درصد که جزء نیازهای ایران برای موارد دارویی بود، سعید جلیلی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران به طرف غربی وعده داد که دانشمندان ایرانی به تنهایی به غنی‌سازی بیست درصد دست پیدا می‌کنند که با تمسخر ۶ کشور مواجه شد اما ایران به واسطه تلاش شهید شهرپوری به این مهم دست یافت و نیازی به خرید از خارج از کشور و خروج ارز نبود. هنگامه پافشاری ایران بر حق هسته‌ای که آتیه‌ی آن تولید برق در نیروگاه بوشهر و موارد دارویی بیماران سرطانی در راکتور تهران بود زمان آن رسید که از میوه‌های سعدآباد استفاده شود تا ایران مجدداً وادار به اعطای حقوق انحصاری و پذیرش استثنا بودن و خرید مایحتاج از آن سوی مرزها شود. برای اینکار لازم بود اصل برنامه هسته‌ای مورد هدف واقع شود تا کند و یا نابود گردد و متعاقب آن چند تن از دانشمندان هسته‌ای کشور در دهه هشتاد به شهادت رسیدند و روند خرابکاری‌ها با جدیت وصف‌ناپذیر دنبال می‌شد تا اینکه در دهه نود یک بار دیگر طی مذاکرات هسته‌ای، در دولت روحانی، پذیرش استثنا بودن علاوه بر عضویت در NPT (اعضای NPT صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای این کشورها به تایید رسیده است) رخ داد و پروتکل الحاقی مجدداً پذیرفته شد و بازهم هر جا و هر زمانی در ایران در یک حباب شیشه‌ای برای آژانس هویدا شد تا آن‌طور که حسن روحانی نوشت



چالش تغییر حیات جنبش دانشجویی

تاثیر صدای دانشجو در جریان‌ات سیاسی کشور از انقلاب تاکنون

● مائده نیساری ●



عامه‌ی مردم دیگر به نسبت سالهای گذشته اهمیتی به حرف‌ها و عملکرد جنبش دانشجویی نمیدهند این روزها جنبش دانشجویی با عدم مقبولیت در میان عامه‌ی مردم مواجه است... و آن جایگاه سالهای گذشته را دیگر دارا نیست! شاید این روزها بشود فعالیت‌های جنبش دانشجویی را از کلی‌نگری مسائل کشور در گذشته به مسئله محوری و جزئی‌نگری حل‌ریشه‌ای مشکلات جامعه دید و شرح داد. از سالهای گذشته دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی سعی و تلاش بر ادامه دادن راه پدران خویش دارند اما با رویکردی متفاوت، میتوان گفت که آرمان همان آرمان هست و راه همان راه است. جنبش دانشجویی یک جریان اجتماعی

دانشجویی در جریان‌ات سیاسی و فرهنگی کشور تاثیری دارد؟ آیا هنوز هم جریان دانشجویی نسبتی با آرمان‌های اصیل انقلاب دارد؟ تشکل‌های دانشجویی تا چه اندازه توانسته‌اند در مسائل و مشکلات مردم و جامعه خویش نقش‌آفرینی کنند؟ مردم به چه اندازه با جنبش دانشجویی و کارکرد آن ارتباط دارند و تشکل‌های دانشجویی مورد مقبولیت عامه‌ی مردم هستند؟ این‌ها سوالاتی است که از روزهای نخست آذر امسال در ذهنم نقش می‌بست، سعی کردم فعالیت‌های اخیر تشکل‌ها و جنبش دانشجویی را بررسی و مورد بازبینی قرار دهم، نکته حائز اهمیت این است که با افزایش و تعدد دانشگاه‌ها و دانشجویان در سراسر کشور،

شاید کمتر کسی گمان می‌کرد که از طلوع تا غروب یکم آذر ماه ۱۳۳۲، در دانشکده فنی دانشگاه تهران سیم‌رغ‌هایی آتشین متولد شوند، که امیدی برای رویت سپیده‌ی صبح خواهند بود. سه جوانی که قربانی میهمان آمریکایی محمدرضا پهلوی شدند تا صدای هر نوع اعتراضی خاموش گردد و آن سه جوان در خون خود غلتیدند و دانشکده فنی تهران به خاک و خون کشیده شد اما از آن شب؛ میراثی گرانبها به دانشجویان پیرو خط امام رسید که تاکنون ادامه داشته و خواهد داشت و آن هم خاموش نشدن فریاد خونین اعتراض به مداخلات آمریکا و بیگانگان است. اما سوال این است که آیا هنوز هم صدای دانشجویان و تشکل‌های

که نیازمند این هست که یک نگاه ویژه تری به بیان مسائل داشته باشند و ریشه ای تر به مسئله های جامعه ورود پیدا کنند و انعکاس صدای جامعه خود باشد. دانشجویان در گذشته تعدادشان بسیار اندک بود و همین اندک بودن جمع دانشجویان باعث شده بود که آنها مرجعیت علمی برای مردم داشته باشند ولی فی الحال که گستره ی زیادی از جوانان دانشجو هستند چنین موردی صدق نمیکند، بنابراین چیزی که بسیار حائز اهمیت هست جدا از کسب علم و دانش در زمینه های فرهنگی و سیاسی و ... باید رویکرد فعالیت های خود را متناسب با زمان تغییر دهند و سعی کنند که به مردم و درد دل مردم نزدیک شوند و صدای آنها باشند خصوصا در این روزها که دانشجویها در قید و بند دانشگاه نیستند و باید در فعالیت های مردم محوری و اجتماعی که متشکل از بدنه ی خود جامعه است فعالیت های بیشتری را انجام دهند و با مردم در تعامل و ارتباط بیشتری باشند. از حالت های گفتمانی که صرفا به عنوان یک شعار یا یک رویکرد یک ساله در پیش گرفتند، فاصله بگیرند و آن چیزی که مردم انتظار دارند را دنبال کنند. وقت آن رسیده که قالب کارهای تشکل های دانشجویی تغییر یابد و در راستای آرمان هایی که دارند به قالب هایی تبدیل شود که برای مردم و عامه ی جامعه قابل فهم و درک شود. با تمام این اوصاف دانشگاه و دانشجو کسی است که وابستگی به حزب و جناحی ندارد و لازم است که مجدد خود را به مردم اثبات کند، از طریق فعالیت های کف میدانی به مردم نزدیک و وارد گفتگو شود و به فکر جامعه خود باشد و برای بهتر شدن جامعه ی خویش تلاش کند.

از پتانسیل های اساسی و مهم جنبش محسوب میشوند. جنبش دانشجویی در سالهای اخیر سعی بر ارائه برنامه و راهکار تخصصی در حوزه های فرهنگی، اقتصادی، روابط بین الملل و مسائل سیاسی کشور داشته است. مسائل مهمی همچون عدالتخواهی در مباحث آموزشی و کارگری همانند هفت تپه، هپکو، هفت سنگان، غیزانیه، ده ونک و مسائل فرهنگی مانند تسهیل ازدواج جوانان، حضور موثر زنان در مسائل مختلف جامعه و حرام قانونی که به مسائل شرط بندی ها در شبکه های مجازی میپرداخت را شاهد هستیم، این روزها دانشجویان دوشادوش مردم به پای کار آمدند و صدای محرومان و مستضعفان شدند. جنبش دانشجویی همچنان دغدغه آرمان های اصیل انقلاب همچون عدالت، استکبارستیزی و مقابله با آمریکا را دارد، اما دچار سردرگمی است نمی داند که چگونه باید استکبارستیزی خود را حفظ کند و چگونه باید در راستای پیگیری و تحقق عدالت گام بردارد. جریان دانشجویی علی رغم دغدغه های خوبی که نسبت به مسائل مردم دارد نیاز مبرم دارد که به گفتمان سازی و فضا سازی و تغییر رویکرد پرداختن به مسائل جامعه بپردازد تا خواست عمومی جهت پیدا کند همچنین در بعضی از مواقع هم ممکن است دغدغه جریان دانشجویی نه با خواست مردم و نه با نیاز واقعی آنها تطبیق نداشته باشد. جنس پیگیری ها و مدل کاری جریان دانشجویی از مدت ها قبل تغییر آنچنانی نکرده البته در بعضی از تشکل ها کارهای کوچک و موثری در بدنه جریان دانشجویی شکل گرفته، اما جنس کاری که جریان دانشجویی انجام می دهد تقریبا با یک سری فرم های ثابت و مسائل ثابت است که فرم های ثابت از جنس تجمع، بیانیه و نامه هستند

است و جریان های اجتماعی هم زمانی که با یک بی عدالتی روبرو می شوند تلاش میکنند تا برای بی عدالتی و نابرابری چیره شوند، چون آنها به پیشبرد و تحقق یک آرمان می نگرند. یکی از آسیب هایی که جنبش دانشجویی با آن مواجه شد تمرکز و فعالیت در عرصه سیاست بود یعنی جنبش دانشجویی به جای اینکه در حوزه های مختلف مانند حوزه سلامت، آسیب های اجتماعی، کشاورزی، صنعت، اقتصاد، مسکن و ازدواج جوانان نقش آفرینی کند فقط به عرصه سیاست پرداخت؛ البته در دو سه سال اخیر شاهد آن هستیم که فعالان جنبش دانشجویی مسئله محورتر کار را پیش می برند یعنی فعالیت خود را در حوزه سیاسی به فعالیت های تخصصی تر در عرصه های مختلف ارتقاء بخشیدند. در گذشته گاهی پیش می آمد که مسائل اساسی کشور مغفول می ماند، اما مسائل غیر ضروری حوزه سیاست داخلی به مسئله اصلی جنبش دانشجویی تبدیل می شد و این یک اشکال خیلی جدی بود. با این وجود ورود جنبش دانشجویی با رویکرد مسئله محوری باعث شد که فعالان دانشجویی مقداری جدی تر در حوزه مسائل اساسی جامعه ورود پیدا کنند. از نقاط قوت این روزهای جنبش دانشجویی میتوان به مطالبه گری های اخیر این جریان در مسائل مختلف کشور اشاره کرد جنبشی که از دل خود مردم برآمده باشد لاجرم مورد اقبال عامه ی مردم قرار خواهد گرفت و این ارتباط با بدنه جامعه میتواند هم به مقبولیت جنبش دانشجویی و هم به ارتقا خود این جریان کمک کند. جنبش دانشجویی متشکل از خود دانشجویان دانشگاه های مختلف است که همین دانشجویان عضوی از خانواده و جامعه هستند که یکی

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

مدیر مسئول: معصومه گرمی

@anjoman_eshlami_alzahra
@anjomanalzahra

سردبیر: کوثر پاریزی

هیئت تحریریه: کوثر پاریزی، فاطمه اصلی بیگی، مائده نیساری، مرضیه انبری

صفحه آرا: مرضیه انبری

شماره تماس: ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

۰۹۰۱۳۸۶۶۴۴۹